

## علل گسترش شیعه‌هراسی و راهکارهای مقابله با آن

دکتر عباس کشاورز شکری / استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد

دکتر زاهد غفاری / استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد

زهرا فهیمی / کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی علل شیعه‌هراسی و راهکارهای مقابله با آن انجام گرفت. پرسش اصلی این پژوهش این بود که «علل گسترش شیعه‌هراسی چیست و برای مقابله با آن چه راهکارهایی وجود دارد»؟ برای پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تبیینی انجام گرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش، آغاز شیعه‌هراسی دشمنان اسلام، به زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران برمی‌گردد و علل هراس آنان از شیعیان، فرهنگ غنی و پویای شیعه، موقعیت ژئوپلیتیکی شیعه، مطرح نمودن اندیشهٔ خدامحوری در برابر انسان‌محوری غرب، پیروزی‌ها و توانمندی‌های شیعیان در برخورد با دشمنان، امکان صدور انقلاب و بیداری مسلمانان، همچنین مطرح شدن جنگ تمدن‌ها و نگرانی غرب از پیروزی شیعیان در این جنگ‌هاست. برای مقابله با این پدیدهٔ روانی، باید دولت‌ها، رسانه‌ها و نخبگان جوامع شیعه، در جایگاه خود با اقدامات مؤثر، پیامدهای ناشی از این حملهٔ روانی را برطرف کنند. کلیدواژه‌ها: شیعه‌هراسی، شیعه‌ستیزی، انقلاب اسلامی، ایدئولوژی، ژئوپلیتیک، صهیونیسم، سلفیت.

## مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی و مطرح شدن شیعه به‌عنوان اسلام سیاسی، نگرانی‌های غرب، به‌ویژه ایالات متحده، به دلیل احتمال تأثیرگذاری انقلاب ایران بر مسلمانان جهان و در خطر قرار گرفتن موقعیت آنها، آغاز شد. به دنبال آن، اندیشمندان غربی، هر یک با تعابیری گوناگون این نگرانی را بروز دادند. در این زمینه، فرانسوا توال، دبیر کل بخش مطالعات بین‌الملل مجلس سنای فرانسه، نگرانی خود را از افزایش قدرت شیعیان این گونه بیان می‌کند: «تشیع، به‌ویژه نوع ایرانی آن، ادعای سخن‌گویی محرومان جهان سوم را دارد. تشیع، کاپیتالیسم و کمونیسم را یک‌سان رد می‌کند. تشیع با طرح و نقشه اعتقادی خود می‌تواند به‌صورت اهرم نیرومندی در جهت بر هم زدن ثبات منطقه و جهان ظاهر شود». (توال، ۱۳۷۹، ص ۱۳۵)

ایالات متحده و رژیم صهیونیستی، تلاش‌های فراوانی را برای خنثی کردن قدرت روزافزون شیعیان انجام داده‌اند. کنفرانس‌ها و نشست‌های مختلف آنها را برای مقابله با شیعه، می‌توان در این راستا ارزیابی کرد. مهم‌ترین آنها همایش بین‌المللی در فلسطین اشغالی با عنوان «بازشناسی هویت شیعه» بود. در این همایش افرادی مانند فرانسیس فوکویاما و مایکل برانت، با تأکید بر ویژگی‌های فرهنگی شیعه، طرح‌های مختلفی را برای براندازی آن ارائه کردند. طرح مهندسی معکوس، طرح زدایش مهدویت و عاشورا، و طرح شبکه‌سازی، از جمله طرح‌های ایشان برای مقابله با شیعه بود، که برای اجرای آنها به عملیات روانی، جنگ سخت و جنگ نرم متوسل شدند. در این میان، بیشتر سران عرب نیز با غرب همراهی کرده، آنان را در اجرای طرح شیعه‌هراسی یاری می‌رسانند. مطرح شدن بحث هلال شیعی توسط پادشاه اردن، فتوای مفتیان سعودی بر ضد شیعه، و ترورهای وحشیانه وهابیون و گروه‌های منشعب از آن در میان شیعیان، از مواردی است که همسویی آنها را با غرب اثبات می‌کند.

امروزه بررسی بحران‌ها و چالش‌های معاصر، از جمله پدیده شیعه‌هراسی، ضرورتی راهبردی است؛ زیرا این پدیده، پیامدهای ناگواری برای شیعیان و دیگر

مسلمانان دارد و باعث اختلال در روابط دیپلماتیک ایران به‌عنوان کشوری شیعه با دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه می‌شود. بنابراین، پژوهش پیش روی با هدف شناخت بیشتر این پدیده و ارائه راهکارهای مقابله با آن صورت می‌گیرد. این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که علل شیعه‌هراسی چیست و برای مقابله با این پدیده چه راهکارهایی وجود دارد؟

این پژوهش به شیوه تحلیل کیفی، از نوع توصیفی - تبیینی انجام می‌گیرد؛ زیرا با توجه به موضوع تحقیق، از سویی باید با روش توصیفی به شناسایی و معرفی ابعاد این پدیده پرداخت؛ و از سوی دیگر با روش تبیینی، علل وقوع این پدیده را مشخص کرد. با توجه به این شیوه پژوهش، ابزار مورد استفاده در آن، گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری از منابع مکتوب، شامل کتاب‌ها، مقاله‌ها و نشریات است.

### تعریف مفاهیم

۱. شیعه‌هراسی: هراس در لغت به معنای بیم، ترس و خوف است. (عمید، ۱۳۶۱، ص ۱۲۴۶) شیعه‌هراسی یعنی ایجاد خوف و هراس از شیعه توسط غربی‌ها، به‌ویژه در میان سران کشورهای عربی، به منظور ایجاد تفرقه و محدودسازی فعالیت شیعیان. شیعه‌هراسی یکی از راهبردهای روانی صهیونیسم جهانی است که در قلمرو جنگ نرم قرار دارد و با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آغاز شده است. دشمنان اسلام، از آنجاکه متوجه توانایی شیعیان در سرکوب حکومت شاهنشاهی و تشکیل حکومتی مستقل بودند، با مطالعه درباره شیعیان به توانایی‌های فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیکی آنان و قابلیت‌های ویژه این مذهب پی بردند؛ در نتیجه، همه توان خود را برای مبارزه با آن به کار گرفتند. مدتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اتحاد جماهیر شوروی از هم پاشیده شد و جنگ سرد پایان یافت. با فروپاشی شوروی، دولت آمریکا و صهیونیسم جهانی همه توان خود را صرف مبارزه با شیعیان کردند و به منظور همراه نمودن دیگر کشورهای غربی و سران کشورهای حوزه خلیج فارس، شیعه‌هراسی را در سطح جهان رواج دادند تا از این طریق، هم متحدان خود را به

بهانه وجود دشمن مشترک حفظ نمایند و هم شیعیان را منزوی کرده، مانع انتشار عقاید شیعه در سطح جهان شوند.

۲. ژئوپلیتیک: ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی علمی است که به مطالعه اثر محیط و اشکال یا پدیده‌های محیطی، همچون موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کیمیا، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی، هوایی و فضایی) و وسایل ارتباط جمعی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، به‌ویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و جهانی، می‌پردازد. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸)

۳. صهیونیسم: صهیونیسم به لحاظ لغوی از ریشه صهیون، نام یکی از تپه‌های باستانی بیت‌المقدس، گرفته شده است؛ (دوست‌محمدی و رجبی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۹) اما از نظر سیاسی، جریانی است که پایه‌های آن در اواخر قرون وسطی در محافل فراماسونری شکل گرفت؛ در دوره نسانس در اندیشه مارتین لوتر، پایه‌گذار فرقه پروتستان، مطرح گردید و در اواخر قرن نوزدهم، با مطرح شدن اندیشه دولت یهود توسط هرتزل، تثویز شد و به‌مرور در سراسر جهان گسترش یافت. صهیونیسم را می‌توان در قالب دو جریان صورت‌بندی کرد: صهیونیسم یهودی و صهیونیسم غیریهودی. قسم دوم، شامل جریان‌های دیگری، از جمله مسیحیت صهیونیستی می‌شود. (همان) این جریان در میان مسیحیان پروتستان، با عنوان «مسیحیان از نومولد شده» معروف است که نقش مؤثری در گسترش صهیونیسم و مبارزه با اسلام دارد.

## علل هراس غربی‌ها از شیعه

### ۱. موقعیت ژئوپلیتیکی شیعه

منطقه خلیج فارس، از نظر جغرافیای سیاسی، اقتصادی و نظامی دارای اهمیت بسیاری است. مهم‌ترین ویژگی این منطقه، وجود جمعیت فراوانی از شیعیان است که در این منطقه زندگی می‌کنند و دارای ایدئولوژی و فرهنگ ویژه‌ای هستند که توجه غربی‌ها و دیگر دشمنان اسلام را به خود جلب کرده است. شیعیان، افزون بر موقعیت ایدئولوژیکی، موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه‌ای نیز دارند. تنگه هرمز، منطقه‌ای

سوق‌الجیشی که ارتباط بین شرق و غرب را کنترل می‌کند، در اختیار شیعیان است. در عربستان، شیعیان در مناطق شرقی این کشور، یعنی منطقه الاحساء و القطیف - که بیشتر ذخایر نفتی عربستان را در بر دارد - ساکن‌اند و بیش از هفتاد درصد کارکنان شرکت‌های نفتی را تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین مراکز نفتی و مسیرهای ارتباطی آبی در اختیار شیعیان است. در کشورهای جنوبی خلیج فارس نیز شیعیان در مراکز مهم تجاری ساکن‌اند.

فرانسوا توال، متخصص مسائل بین‌المللی و استراتژیک، درباره اهمیت ژئوپلیتیکی شیعیان و چالشی که برای غرب ایجاد کرده است، می‌گوید: «هفتاد درصد جمعیت خلیج فارس شیعه هستند. سه‌چهارم از ذخایر نفتی جهان با بهترین کیفیت در این خلیج قرار دارد. اگر دایره‌ای که به دور کمر بند شیعیان خلیج [فارس] کشیده شده، وسیع‌تر دیده شود، خواهیم دید که اکثریت جمعیت‌های شیعی در کانون و مراکز حساس ژئوپلیتیکی واقع شده‌اند، که جهان را با چالش روبه‌رو کرده است». (توال، ۱۳۷۹، ص ۱۳۷)

پراکندگی جمعیت‌های شیعه در مناطق حساس و ژئوپلیتیکی، موقعیت‌های ویژه‌ای را برای آنان فراهم می‌کند. جمعیت فراوانی از شیعیان در نواحی حساس خلیج فارس، از جمله مناطق نفت‌خیز، همچنین در نزدیکی تنگه هرمز زندگی می‌کنند. گروه‌های دیگری نیز در مجاورت رژیم صهیونیستی قرار گرفته‌اند. از آنجا که دو مؤلفه استراتژیکی برای غرب وجود نفت و رژیم صهیونیستی در منطقه است، وجود شیعیان در این مناطق به مشکلی اساسی برای غرب تبدیل شده است.

نظریه جزیره جهانی و هارتلند جهان، (قلب جهان) یکی از نظریات معروف در حوزه جغرافیای سیاسی است که سر هالفورد مکیندر (۱۸۶۱-۱۹۴۷) آن را مطرح کرد. او در این نظریه، قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا را به‌منزله جزیره جهانی می‌شناخت و کلید آن را منطقه هارتلند می‌دانست، که از غرب به رودخانه ولگا و از شرق به سیبری غربی می‌رسید و بخش وسیعی از شمال ایران را در بر می‌گرفت. (مقدم‌فر، ۱۳۸۹، ص ۱۸)

موقعیت ایران در هارتلند جهان، باعث توجه متفکین به ایران در جنگ جهانی اول و دوم شد و زمینه هجوم نظامی آنان را به ایران فراهم کرد. همین عامل در دوره‌های بعدی نیز موجب توجه ویژه جهان غرب به ایران و منابع موجود در آن شد؛ اما عاملی که موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را تقویت کرد، وقوع انقلاب اسلامی ایران بود که با تغییرات عمده در معادلات جهانی و بهره‌مندی از ایدئولوژی تشیع و تحولات ناشی از آن، ایران را به همراه سایر مناطق شیعه‌نشین، در مرکز توجه جهان قرار داد.

در این باره، فرانسوا توال به تأثیرگذاری شیعیان در تحولات منطقه و جهان اشاره می‌کند و می‌گوید: «صلح در خاورمیانه و حتی در جهان، به‌طور اساسی به اداره این نیروی جدید بین‌المللی، یعنی جوامع شیعی، بستگی دارد. اخبار روز نشان می‌دهد، علی‌رغم خشونت‌ها، شکنجه‌ها یا جنگ‌ها، نه ضعیف و نه مضمحل شده است. به نظر می‌رسد که مرکز ثقل جهان عرب، از مناطق کاملاً سنی به طرف مناطق شیعی - سنی کشیده شده است.» (توال، ۱۳۷۹، ص ۱۵)

این شرایط در حالی است که اگر شیعیان با دیگر مسلمانان جهان متحد شوند، تهدیدی بزرگ برای جریان صهیونیستی بوده، منافع آنها را به خطر خواهند انداخت. به همین دلیل، یکی از استراتژی‌های مهم غرب، ایجاد و تقویت اختلاف بین مسلمانان و حتی بین شیعیان است.

## ۲. تضاد فرهنگ سیاسی شیعه با صهیونیسم

فرهنگ سیاسی شیعه دارای امتیازاتی است که در میان همه ادیان و مذاهب نظیر ندارد. سیاست در میان شیعیان با دین و مذهب گره خورده و جدایی‌ناپذیر است. یکی از امتیازات شیعه، ایدئولوژی انقلابی آن است که دارای مفاهیم بالقوه انقلابی، مانند شهادت، عاشورا، انتظار و اعتقاد به غاصبانه بودن حکومت غیرمعصوم است. این مفاهیم که در طول تاریخ به دلیل مساعد نبودن شرایط، تا حدودی به فراموشی سپرده شده بود، با وقوع انقلاب اسلامی در ایران به فعلیت رسیده و شیعیان دیگر را نیز به تحرک واداشته است. نگرانی عمده غرب، شکوفایی توانایی‌های بالقوه شیعیان

در جهان تحت تأثیر ایران است. همین هراس غرب از شیعه، باعث توجه ویژه غربی‌ها به کشورهای اسلامی و رواج شیعه‌هراسی شده است تا بدین وسیله جریان گسترش شیعه در جهان را مهار کرده یا دست‌کم روند آن را کند نماید.

نظریه ولایت فقیه، یکی از موارد حساس برای دشمنان اسلام است. آنان می‌کوشند برای مقابله با شیعیان، این نظریه را هدف قرار داده، با ایجاد شبهاتی آن را کم‌رنگ جلوه دهند. از سویی، وجود ولایت فقیه باعث سربلندی شیعه بوده است و با حسن تدبیر ولی فقیه، شیعیان توانسته‌اند به پیروزی‌های بسیار دست یابند. امام خامنه‌ای در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی علیه السلام درباره نقش و اهمیت ولایت فقیه فرمودند: «ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام، و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است». (خامنه‌ای، ۱۳۸۳)

مهدویت و انتظار، مفهوم سیاسی دیگری است که اذهان غربی‌ها و صهیونیست‌ها را به خود مشغول کرده است. با توجه به شواهد موجود، چنین به نظر می‌رسد که غربی‌ها با انجام بررسی‌هایی در متون کتب آسمانی و روایات اسلامی، به این نتیجه رسیده‌اند که مفهوم مهدویت در خود ظرفیت انقلاب‌سازی و به حرکت انداختن توده‌های مسلمان را دارد. عاشورا، جهاد و شهادت‌طلبی نیز مفاهیمی هستند که با هویت شیعه گره خورده و رمز ماندگاری و پیروزی شیعه در طول تاریخ بوده‌اند. حماسه پرشکوه عاشورا همواره پدیده‌ای پر رمز و راز برای دشمنان اسلام بوده و ترس و هراسی عظیم را برای آنان فراهم کرده است؛ به گونه‌ای که برای مقابله با آن، طرح‌ها و راهکارهای مختلفی را در نظر گرفته‌اند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اندیشه سیاسی شیعی نیز وارد عصر تازه‌ای شد. این اندیشه که تا آن زمان، حکومت مستقل شیعی را تجربه نکرده بود و در برابر حکومت‌های وقت، موضعی مخالف و منفی داشت و آنها را نامشروع می‌دانست یا صرفاً برای اجرای بهتر و بیشتر احکام شریعت با نظام حاکم همراهی می‌کرد، برای نخستین بار درصدد برآمد حکومتی مستقل با ساختارهای جدید را تجربه کند. (کلاته، ۱۳۸۸، ص ۱۵۵) نگرانی اصلی صهیونیست‌های مسیحی و یهودی، از اسلام، مربوط به

اسلام سیاسی است؛ اسلامی که با حفظ ارزش‌ها و اصول اسلامی، در برابر نفوذ فرهنگ غربی مقاومت می‌کند.

امام خمینی<sup>علیه السلام</sup> درباره نگرانی غرب از گسترش اسلام می‌فرماید: «تمام مقصد این است که نگذارند جمهوری اسلامی به معنای واقعی‌اش تحقق پیدا بکند؛ برای اینکه اینها از اسلام می‌ترسند. اینها می‌دانند که اگر عدل اسلامی پیدا بشود، برای توطئه‌گرها، برای ظالم‌ها، برای چپاولگرها، دیگر راهی باقی نمی‌ماند. و لهذا دست و پا می‌زنند که نگذارند جمهوری اسلامی آن طور که میل ماست، تحقق پیدا کند.» (امام خمینی<sup>علیه السلام</sup>، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۲۲۳)

### ۳. نظریهٔ خدامحوری شیعه در برابر انسان‌محوری غرب

مهم‌ترین عامل تقابل شیعه با جهان غرب، مربوط به تضاد در نظام معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی آنهاست. نظام فکری شیعه بر مبنای خدامحوری است و خداوند متعال مبدأ و گردانندهٔ نظام هستی شناخته می‌شود؛ اما نظام معرفتی غرب بر مبنای اومانیسیم شکل گرفته و انسان، محور همهٔ امور است.

اومانیسیم، روش تفکری است که مفهوم انسانیت، کانون توجه و تنها هدف آن فرض می‌شود. به عبارت دیگر، این فلسفه انسان‌ها را از خداوند، خالق آنها، دور می‌سازد و به پرداختن به زندگی و هویت فردی خود فرا می‌خواند. (یحیی، ۱۳۸۴، ص ۵۴) در چنین نظامی، اعتقاد به معاد و مسئول بودن انسان در برابر خداوند و حتی اخلاق بر پایهٔ تعالیم الهی کنار گذاشته شده و به جای آن، با تکیه بر عقل محدود بشری، به تدوین اخلاقی جدید با محوریت انسان پرداخته شده است.

در مقابل مادی‌گرایی و اومانیسیم غرب، مبانی اعتقادی شیعه بر پایهٔ محوریت خداوند و نقش مسلط او در عالم هستی استوار است. در این نظام اعتقادی، انسان نیز جایگاهی ویژه دارد و حتی می‌تواند به درجهٔ خلیفه‌اللهی برسد. البته چنین جایگاهی به انسان‌های تکامل‌یافته تعلق می‌گیرد و انسان‌های دیگر با رعایت حدود الهی به درجات مختلف، در این مسیر قرار می‌گیرند؛ اما حتی انسان کامل نیز نمی‌تواند جایگاه خداوند را تصاحب کند.



تضاد فکری غرب و شیعه، همواره عامل مهمی در ضدیت آنها با شیعه بوده است؛ زیرا از سویی آنها نگران گسترش تفکر خدامحوری در جهان‌اند، که می‌تواند اندیشه‌های اومانیستی آنها را به چالش بکشد؛ و از سوی دیگر، نگران از دست دادن حاکمیت خود در سطح جهان و قرار گرفتن آن در دست شیعیان‌اند.

#### ۴. اندیشه نظام واحد جهانی و پایان تاریخ

اسلام دین آینده جهان است؛ چون استعداد لازم آن، در قرآن گنجانده شده است. محمد بن عبدالله ﷺ پیامبر همه جهانیان و بشیر و نذیر برای عالمیان است، نه پیامبر یک قوم، منطقه خاص یا بخشی از دنیا. دین اسلام نه تنها ادعای جهانی بودن دارد، بلکه قواعد اساسی تحقق آن را نیز همچون مهدویت، از پیش طراحی کرده است. (مظفری، ۱۳۸۶، ص ۲۱۷) اعتقاد به تشکیل نظام واحد جهانی، بیشترین هراس را در میان غربی‌ها برانگیخته است؛ زیرا آنها نیز ادعای جهانی شدن دارند و از اینکه شیعیان با قاطعیت چنین اندیشه‌ای را مطرح نموده و از آن دفاع می‌کنند، سخت هراسان شده، آینده خود را در خطر می‌بینند.

در حال حاضر، دو نوع تفکر و ایده جهانی شدن در سطح جهان مطرح است: یکی بر پایه اومانیسم و انسان‌مداری است، که غربی‌ها مروج آن‌اند؛ و دیگری بر پایه اندیشه دینی و الهی است، که شیعیان مروج آن‌اند. جهانی شدن از نوع غربی معتقد است که سرانجام، لیبرال دموکراسی در سراسر جهان حکم فرما شده، همه جهان به شکل دهکده واحدی در خواهد آمد که رهبری آن نیز بر عهده غرب خواهد بود؛ اما شیعه معتقد است که جهان به سوی معنویت و خدامحوری پیش می‌رود و سرانجام همه جهان تحت حاکمیت واحد الهی در خواهد آمد. البته شیعه برای ادعای خود دلایل محکم و قانع‌کننده‌ای دارد که در اینجا فرصت وارد شدن به این بحث وجود ندارد.

نظریه شیعه درباره نظام واحد جهانی، به شدت باعث نگرانی نظریه‌پردازان اجتماعی و سیاسی غرب شده است. آنان از نفوذ اسلام، به ویژه تشیع، در نظام بین‌الملل در هراس‌اند؛ به همین دلیل با تمام توان خود سعی در خنثی‌سازی این

حضور مؤثر در نظام جهانی را دارند و تلاش می‌کنند تا با ارائه نظریات مشابه و جذاب، افکار عمومی جهان را به سوی لیبرال دموکراسی حاکم در غرب جلب کرده و چنین نظامی را مصلح بشر معرفی نمایند.

هانتینگتون، نظریه‌پرداز غربی، در ارزیابی‌های خود به این نتیجه رسیده است که سه تمدن در سراسر جهان امکان جایگزینی با تمدن غرب را دارند: تمدن کنفوسیوسی چینی؛ تمدن ارتدوکسی روسیه؛ و تمدن اسلامی.

به عقیده وی، تمدن اول و دوم ظرفیت و نیروی لازم برای ادامه حیات را ندارند و تنها تمدن اسلامی امکان شکوفایی و حیات دارد. دو تمدن نخست، مهارشدنی‌اند؛ ولی تمدن اسلامی بزرگ‌ترین خطر برای غرب است که باید آن را پیش از شکوفایی نابود کرد. (ادیب، ۱۳۸۸، ص ۲۸۶)

وقوع انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان انقلابی فرهنگی و مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام، که در برابر حیرت جهانیان اتفاق افتاد، مقدمه جهانی شدن الهی است. انقلاب اسلامی ایران، در راستای انقلاب جهانی مهدوی است و زمینه جهانی شدن اسلام را در دوره ظهور فراهم می‌سازد. مبانی فکری و نظری، اهداف و عوامل ایجادکننده انقلاب، رهبری و چشم‌انداز آینده آن، این دو انقلاب را بیش از پیش به هم شبیه می‌سازد. از این‌رو، انقلاب اسلامی ایران در جایگاه نمونه‌ای کوچک از انقلاب جهانی حضرت مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) مطرح می‌گردد. مقایسه اهداف و آرمان‌های درخشان انقلاب اسلامی، به‌ویژه در زمینه‌های فکری و فرهنگی و مطابقت و تناسب آن با شرایط ظهور و هدف‌های انقلاب جهانی امام مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف)، اثبات‌کننده نقش ممتاز انقلاب اسلامی در زمینه‌سازی و فراهم نمودن زمینه‌ها و بسترهای ظهور و انقلاب بزرگ مهدوی است. برتری و غلبه اسلام بر همه ادیان، پیروی از دین حق، پایان دادن به ظلم و ستم، برپا نمودن حکومت عدل اسلامی در سراسر عالم، نابود کردن شرک و پاک‌سازی زمین از مظاهر آن، نشر توحید و عبادت برای خدا، و واگذاری حاکمیت زمین به بندگان شایسته خدا، از اهداف انقلاب جهانی حضرت مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) می‌باشد. (جوادی، ۱۳۸۹، ص ۶)

### ۵. مطرح شدن اندیشهٔ جنگ تمدن‌ها

در گذشته، کشورهای غربی به دلیل وجود ذخایر عظیم انرژی، به خاورمیانه توجه داشتند و برای دسترسی به آن از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کردند. امروزه تلاشی دوجندان برای تسلط بر این منطقه، از سوی قدرت‌های غربی صورت می‌گیرد؛ زیرا در حال حاضر، انگیزهٔ غربی‌ها برای تسلط بر این منطقه، فقط موضوع وجود ذخایر نفتی نیست؛ بلکه مسئله‌ای مهم‌تر وجود دارد و آن تسلط فرهنگی غرب بر این منطقه است. پس از آنکه هانتینگتون از جنگ تمدن‌ها سخن گفت و هم‌زمان با آن، جنبش‌های شیعی در منطقه پدیدار شد، توجه غرب به این منطقه به‌گونه‌ای دیگر جلب شد؛ به‌گونه‌ای که امروزه غرب، به‌ویژه آمریکا، برای حفظ موجودیت خود در جنگ تمدن‌های مورد نظر هانتینگتون، به روش پیش‌گیرانه روی آورده و با تسلط بر منطقه، به گمان خود می‌خواهد پیروز آیندهٔ جنگ تمدن‌ها باشد.

دین اسلام به دنبال نجات همهٔ جوامع بشری از ظلم و ستم ظالمان است؛ اما تعدادی از اندیشمندان غربی، قدرت اسلام را تهدیدی برای غرب می‌دانند و به تحریک بیشتر سیاستمداران غربی بر ضد مسلمانان می‌پردازند. از جملهٔ این افراد، برنارد لویس است. وی اسلام را نخستین تمدنی می‌داند که می‌توان نام جهانی بر آن گذاشت و معتقد است از زمان رسالت حضرت محمد ﷺ در عربستان در قرن هفتم میلادی و گسترش قلمرو هواداران او تا سواحل دریای مدیترانه، اسلام، همسایه، رقیب و بیشتر اوقات، دشمن عالم مسیحیت شمرده می‌شد. (لویس، ۱۳۸۴، ص ۱۳)

زمانی که هانتینگتون از برخورد تمدن‌ها در اواخر قرن بیستم سخن گفت و این برخورد را مقابله‌ای ایدئولوژیکی بین غرب و شرق توصیف کرد، همهٔ توجهات در این برخورد، به اسلام معطوف شد؛ زیرا اسلام ویژگی‌هایی دارد که آن را از دیگر مذاهب و ایدئولوژی‌ها متمایز می‌کند. اسلام آخرین و کامل‌ترین دین الهی است که همهٔ اقوام و نژادها را دربر می‌گیرد و برای همهٔ امور انسان‌ها برنامه و قانون دارد. اسلام دینی جهانی است که با توجه به وعدهٔ الهی، در آینده دین واحد همهٔ جهان خواهد شد و نظام واحد جهانی بر پایهٔ آن شکل خواهد گرفت. غربی‌ها با مطالعه در منابع اسلامی به این حقیقت پی برده‌اند و می‌دانند که مسلمانان در آینده، قدرت خود را

بازمی‌یابند و تمدن و شکوفایی، از غرب به آنان منتقل می‌شود. این احتمال با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و پیشرفت‌های علمی، سیاسی و فرهنگی این کشور قوت یافته است؛ به‌ویژه آنکه اسلام دورانی پر از شکوفایی را برای آینده پیروان خود بشارت داده است. از نگاه هانتینگتون، تمدن کنفوسیوس همراه تمدن اسلام، مهم‌ترین چالشگران تمدن غرب‌اند؛ اما تمدن اسلام از برخی جهات، خطری جدی‌تر به‌شمار می‌آید. اسلام تنها تمدنی است که بقای تمدن غرب را با تهدید مواجه کرده و دست کم دو بار نیز در این کار موفق بوده است. مشکل اصلی غرب، «بنیادگرایی اسلامی» نیست؛ بلکه خود «اسلام» است. (اسماعیلی، ۱۳۸۶، ص ۸۷)

یکی از دلایل هراس غرب از شرق اسلامی این است که غرب، شرق اسلامی و تعارض بنیادین بین خود و شرق را به‌خوبی می‌شناسد. همه‌واهمه و ترس غرب از شرق اسلامی همین است که نکند زمانی، به عبارت و گمان خودشان، این غول خفته از چراغ بیرون بیاید یا این روح خفته بیدار شود و برای غرب زحمت درست کند. در عموم فیلم‌های سینمایی هالیوود، این معنا به نوعی به تصویر کشیده شده است. بنابراین، همه‌تلاش غرب این است که آن قدر بر روی آن عنصر قوی چراغ گل بریزد تا از بین برود و دیگر قدرت عرض اندام نداشته باشد. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۶، ص ۷۰)

برنارد لویس درباره‌ی برخورد تمدن اسلام و غرب می‌گوید:

«در سراسر قرون که مورخان اروپایی آن را قرون وسطی می‌نامند، مسیحیت و اسلام به یکدیگر به‌حق به چشم حریف اصلی می‌نگریستند. قبلاً من به دو محرک اصلی، یعنی ایمان و طمع، که انگیزه فرستادن مبلغان مسیحی و بازرگانان به اقصی نقاط جهان بود، اشاره کردم. در قرون وسطی، اروپای مسیحی در رویارویی با اسلام، احتمالاً از انگیزه قوی‌تری نسبت به دو انگیزه قبلی برخوردار بود و آن انگیزه، ترس بود.» (لویس، ۱۳۸۴، ص ۱۳)

به این ترتیب، غربی‌ها که نگران از دست دادن تمدن خود و تسلط مسلمانان هستند، به منظور ستیز و مقابله با اسلام اصیل، به ترویج شیعه‌هراسی می‌پردازند.

## علل هراس دول عربی از شیعه

### ۱. رواج تفکر شیعه‌هراسی توسط جریان صهیونیستی در میان اعراب

یکی از سیاست‌های اصولی و ریشه‌ای صهیونیست‌ها برای رسیدن به مقاصد خویش، تلاش برای ایجاد تفرقه بین اقشار گوناگون مسلمانان در جهان اسلام است تا به این طریق، از یک سو از خطر اتحاد یک و نیم میلیارد مسلمان در سطح جهان در امان باشند و از سوی دیگر، با ایجاد نفاق بین صفوف متحد مسلمانان، دستیابی به اهدافشان میسرتر باشد. بنابراین، به دلیل اهمیت فراوان این موضوع، صهیونیست‌ها بسیار به این مسئله مهم توجه داشته و دارند و در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، تبلیغی، تجاری و... برای این هدف مهم برنامه‌ریزی می‌کنند. (جدید بناب، ۱۳۸۵، ص ۳۴۷)

صهیونیست‌ها، پس از آنکه به‌طور غیرمنتظره با وقوع انقلاب اسلامی ایران مواجه شدند و نظاره‌گر گسترش اندیشه‌های انقلاب در میان دیگر ملل منطقه بودند، به تکاپو افتادند و کوشیدند از گسترش بیشتر آن جلوگیری کنند؛ زیرا با گسترش نفوذ انقلاب اسلامی در منطقه، منافع صهیونیست‌ها به‌شدت به خطر می‌افتاد. اگر ملت‌های منطقه قیام می‌کردند، رژیم‌های مرتجع وابسته به آمریکا از بین می‌رفت و نه‌تنها روند صلح و سازش بین اعراب و اسرائیل شکست می‌خورد، بلکه قیام اسلام‌گرایان در منطقه می‌توانست موجودیت رژیم صهیونیستی را در معرض خطر جدی قرار دهد. به همین دلیل، صهیونیست‌ها دست به کار شدند و تلاش کردند تا با موج گسترده پیام انقلاب در منطقه مبارزه کنند. در این زمینه، مهم‌ترین تاکتیک آنان رواج شیعه‌هراسی در میان اعراب بود. متأسفانه سران عرب و برخی گروه‌های عربی نیز در این زمینه با جریان صهیونیست غرب همراهی کرده، با صرف هزینه‌های فراوان در جهت منافع غرب، گسترش نفوذ آنها را در منطقه آسان نمودند.

صهیونیست‌ها، چون جمهوری اسلامی ایران را در برابر اهداف و آمال خویش می‌دیدند، از هیچ گونه دشمنی برای براندازی این نظام، و تضعیف و ارائه چهره‌ای منفی و خشن از آن فروگذار نکردند و تمام تلاش خود را در این زمینه به کار

گرفتند. (همان، ص ۲۵۲) مجموعه این رویکردها، مبتنی بر راهبردی است که هدف آن، ایجاد نزاع منطقه‌ای و شکل دادن به یک درگیری با ویژگی‌های نژادی، قومی و مذهبی است. حاصل فرایند و منافع این نزاع‌ها برای آمریکا عبارت است از:

۱. ایجاد شکاف و نزاع در میان کشورهای منطقه؛

۲. فروش تسلیحات به کشورهای نفتی منطقه؛

۳. کم‌اهمیت جلوه دادن موضوع رژیم صهیونیستی - فلسطین؛

۴. فراهم آوردن زمینه مداخله قدرت‌های نظامی غربی؛

۵. کنترل بر ژاپن، چین و اروپا از طریق حضور دائمی در عراق و منطقه خلیج

فارس، و کنترل کانون‌های انرژی منطقه، به منظور تداوم هژمونی خود در نظام سرمایه‌داری. (جمالی، ۱۳۸۶، ص ۲۹)

سران عرب که نگران صدور انقلاب ایران و قیام‌های مردمی در کشورهای خود بودند، در اقدامی همسو با صهیونیسم، با همه توان خود به مبارزه با انقلاب اسلامی ایران پرداختند. از جمله اقدامات آنها در این زمینه، تأسیس شورای همکاری خلیج فارس به منظور اجماع اعراب و ارائه راهبردهایی مشترک برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران بود. آنان در این زمینه، با همراهی غرب و صهیونیسم جهانی، جنگی هشت‌ساله را بر ایران اسلامی تحمیل کردند. در سال‌های اخیر نیز برخی رسانه‌های عربی، در راهبردی مشترک با غرب، به کارشکنی در مسیر پیشرفت‌های علمی و هسته‌ای ایران می‌پردازند و در برنامه‌های خود می‌کوشند چهره‌ای مخدوش از نظام اسلامی ایران نشان دهند.

با گسترش پیشرفت‌ها و تحولات سیاسی، نظامی و علمی در ایران و دستیابی ایران به‌عنوان کشوری با ایدئولوژی شیعی به انرژی هسته‌ای، عمق نگرانی صهیونیست‌ها از شیعه بیشتر شد. این نگرانی به دو دلیل بود: نخست اینکه با دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای، این فناوری در منطقه خاورمیانه از انحصار رژیم صهیونیستی خارج شد؛ دوم آنکه ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای در کشوری که دشمن درجه یک صهیونیسم شمرده می‌شود، آنها را به هراس شدیدی دچار کرد. در همین

ایام، حزب‌الله لبنان در جنگی ۳۳ روزه ضربات سنگینی بر رژیم صهیونیستی وارد ساخت و آنها را با شکست مواجه کرد. در نتیجه، صهیونیست‌ها در این دوره در اجرای پروژه شیعه‌هراسی خود فعال‌تر شدند و تلاش خود را برای ترساندن اعراب از نفوذ شیعه در منطقه بیشتر کردند. در این میان، پیشرفت‌های علمی ایران را به‌ویژه در زمینه هسته‌ای به‌مثابه تهدیدی برای اعراب القا نمودند.

## ۲. نژادپرستی و افکار جاهلانۀ دولت‌های عربی

ناسیونالیسم، به مفهوم قومیت‌گرایی و تعصبات شدید قومی، در میان اعراب سابقه‌ای بس طولانی دارد و در زمان نفوذ فرهنگی غرب شدت یافت. مهم‌ترین نتیجه این تفکر، تفرقه میان مسلمانان عرب و غیرعرب بود که از نخستین ثمرات شوم آن، فراهم شدن زمینه تثبیت دولت رژیم صهیونیستی در قبله‌گاه نخست مسلمانان، قدس بود.

در سال ۱۹۴۵، ویژگی‌های ناسیونالیستی عربی، به تشکیل اتحادیۀ عرب منجر شد. بسیاری از کشورهای عربی به این اتحادیه پیوستند و این اتحاد به تشکیل جمهوری متحد عربی انجامید. این اتحادیه، در مقام مهم‌ترین سازمان بین‌المللی عربی، در طول جنگ عراق با ایران، از عراق در زمینه‌های گوناگون سیاسی، نظامی و اقتصادی حمایت کرد؛ حتی تعدادی از کشورهای عضو آن، مانند اردن، مصر و سومالی، نیروهای نظامی نیز به جبهۀ عراق گسیل داشتند و از عراق در نهادهای سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی جانب‌داری کردند. تنها استثنای عمده در این باره، کشور سوریه بود که در مقام عضوی از اتحادیۀ عرب، به دلیل اختلافات و رقابت‌های بین دو کشور سوریه و عراق و نیز حمایت‌های ایران از مبارزات ضد صهیونیستی مردم لبنان و فلسطین، از ایران حمایت می‌کرد.

یکی از هنجارهای مورد مناقشه و دیرین در محاسبات جریان سلفی‌گری سیاسی، مسئله عربیت و تمایز آن با فرهنگ عجم است. در واقع، هرچند جریان‌ات معتدل سلفی همچون اخوان‌المسلمین، کوشیده‌اند یگانگی عرب را بر بنیاد اسلام تحقق بخشند، اما در برخی گرایش‌های افراطی، آثار و تعلقات قومی عربی بسیار برجسته

است؛ یا دست کم آن را در تقابل با جمهوری اسلامی ایران برجسته می‌نمایند. (سیدنژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴) همراهی بیشتر اعراب با رژیم بعثی صدام در حمله به ایران، مخالفت سران عرب با پیشرفت‌های هسته‌ای ایران، و همراهی آنان با دشمنان اسلام، نمونه‌هایی از افکار جاهلی برخی اعراب است که به‌مثابه مانعی بر سر راه پیشرفت جهان اسلام قرار گرفته است.

### ۳. نفوذ عقاید سلفیه در میان اعراب

اندیشه بازگشت به سلف و اجرای کامل اصول اسلامی، در میان همه جوامع اسلامی وجود دارد؛ اما جریانی که خود را با عنوان سلفیه معرفی کرد، در قرن هشتم و با افکار ابن تیمیه به وجود آمد. این جریانات، با عنوان سلفی و وهابی معرفی شده‌اند؛ اما اندیشه‌های آنها برگرفته از سلف<sup>۱</sup> نیست. در واقع، آنها اندیشه‌های غیراسلامی خود را به‌عنوان سلف به مردم معرفی می‌کنند و مانع عمده‌ای در معرفی اسلام حقیقی به جهانیان هستند. این اندیشه، به تدریج در جوامع عربی رایج شد و حاکمان برخی کشورهای عربی، از میان این جریان برخاستند. فؤاد ابراهیم، پژوهشگر عرب، در این باره می‌گوید: «وهابیت حرکتی است که تمامی مسلمانان را، نه تنها در شبه جزیره عربستان، بلکه در تمام دنیای اسلام تحت تأثیر خود قرار داد.» (ابراهیم، ۱۳۸۷، ص ۳۰)

عامل عمده گسترش چنین جریانی در میان اعراب، وجود بحران هویت در جوامع عربی است. مسلمانان که در گذشته دارای فرهنگی غنی و فراگیر بودند، به تدریج با فاصله گرفتن از دستوره‌های اسلام دچار رکود و ناتوانی شدند و فرهنگ غرب بر آنان چیره گشت. عده‌ای از مسلمانان با مشاهده این وضعیت، چاره را در بازگشت به

۱. سلف در لغت به معنای گذشته، و در اصطلاح به معنای اقتدا کردن به سلف صالح، پیامبر اسلام ﷺ است. این اصطلاح، از زمان رشید رضا و اخوان در مصر رایج شد؛ اما امروزه سلفی‌ها با عناوین وهابیت، القاعده و طالبان، گروه‌هایی با عقاید انحرافی‌اند که نگاهی متحجرانه به اسلام دارند و به بهانه مبارزه با بدعت‌ها، به اقدامات تروریستی بر ضد شیعیان دست می‌زنند.



خویشتن دانستند و درصدد احیای هویت اسلامی خود برآمدند؛ اما به دلیل نداشتن تفسیر درست از رویدادها و ریشه‌یابی مشکلات، در دام جریان‌های افراطی افتادند؛ جریان‌هایی که افکاری خودساخته را به نام اسلام به مردم معرفی می‌کنند و یکی از این اندیشه‌های غلط، دشمن دانستن شیعیان و تجویز هرگونه اعمال تبعیض و خشونت بر ضد آنان است.

#### ۴. نگرانی از صدور انقلاب اسلامی ایران در میان اعراب

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نظم موجود را به لحاظ نظری و عملی، با چالش مواجه ساخت و در پی آن ارتجاع منطقه و قدرت‌های ذی‌نفوذ، هم‌زمان حاکمیت و منافع خود را در برابر این وضعیت، از دست‌رفته احساس کردند. با پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران ضمن تأکید بر ارزش‌ها و باورهای اسلامی در ترسیم سیاست‌های داخلی و خارجی خود و تعقیب استراتژی تکیه بر ملت‌ها و احترام به آرای آنها، به سرعت در منطقه جاذبیت خاصی پیدا کرد. این جاذبیت که همراه با بیداری ملت‌های مسلمان منطقه بود، زمینه‌ساز تزلزل حاکمیت و مقبولیت رژیم‌های منطقه شد؛ چنان‌که حرکت‌های مردمی، مانند قیام مسجدالحرام در سال ۱۹۷۹م در عربستان سعودی، و حرکت‌های مخالف حکومت در کویت، عراق و بحرین نشانگر این امر است. (محمدی، ۱۳۷۱، ص ۸۲) بنابراین، مهم‌ترین موضوعی که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجب ترس و نگرانی سران اعراب شده، مسئله صدور انقلاب است.

انقلاب اسلامی ایران اندیشه دینی را در جهان احیا کرد و هویت دینی مسلمانان را به آنها بازگرداند. جمهوری اسلامی ایران با طرح گفت‌وگو با مردم‌سالاری دینی، نظام استبدادی حاکم در جوامع عربی را محکوم کرد و پایه‌های چنین حکومت‌هایی را در منطقه به لرزه درآورد و آینده‌ای مبهم برای آنان ترسیم نمود. این شرایط، به همراه وجود تعداد پرشماری از شیعیان در جوامع عربی که مستعد ایجاد انقلاب بودند، سران عرب را به وحشت انداخت و آنان را به واکنش در برابر انقلاب اسلامی ایران واداشت.

### مراحل گسترش شیعه‌هراسی

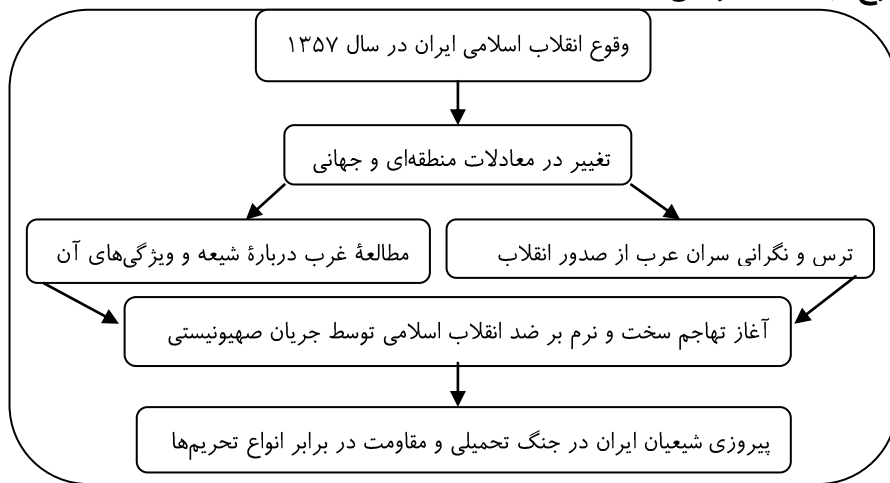
شیعه‌هراسی در طی سه مرحله تشدید و گسترش یافته است. موج اول شیعه‌هراسی به زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران برمی‌گردد. پیش از آن، دشمنان اسلام با وجود دشمنی دیرینه با جهان اسلام، از قابلیت‌های ویژه تشیع آگاهی نداشتند؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران - که برای غربی‌ها بسیار غیرمنتظره بود - با جلوه اسلام سیاسی آشنا شدند و متوجه ایدئولوژی و فرهنگ شیعه گردیدند. از این رو به مطالعات گسترده در این زمینه پرداختند و با آگاهی از قابلیت‌های تمدن‌ساز فرهنگ شیعه، دشمنی با آن را آغاز کردند و سران عرب را - که نگران صدور انقلاب به کشورهای عربی بودند - نیز با خود همراه ساختند. یکی از اقدامات آنان، آغاز جنگ تحمیلی صدام بر ضد ایران بود که هم‌زمان با تحریم‌های سخت اقتصادی صورت گرفت؛ اما جمهوری اسلامی ایران در برابر همه این توطئه‌ها مقاومت نمود و حتی تحریم‌ها به پیشرفت و خودکفایی شیعیان انجامید.

در اواخر قرن بیستم، نظریاتی مانند «پایان تاریخ» فوکویاما و «جنگ تمدن‌ها» هانتینگتون، مطرح شد. از آنجاکه نظریه جنگ تمدن‌ها افول تمدن غرب و شکوفایی تمدن اسلام را پیش‌بینی کرده بود، سیاست‌مداران صهیونیست در غرب به چاره‌جویی پرداختند و با ایجاد حادثه ساختگی یازدهم سپتامبر، بهانه‌ای را برای هجوم به سرزمین‌های شیعه فراهم کردند؛ اما هجوم آنان به عراق - که با هدف سرکوبی شیعیان صورت گرفته بود - موجب سقوط صدام و راه‌یابی شیعیان به قدرت سیاسی شد. به دنبال آن، پادشاه اردن از هلال شیعی سخن گفت و رسانه‌های صهیونیستی نیز به شدت به تبلیغ آن پرداختند.

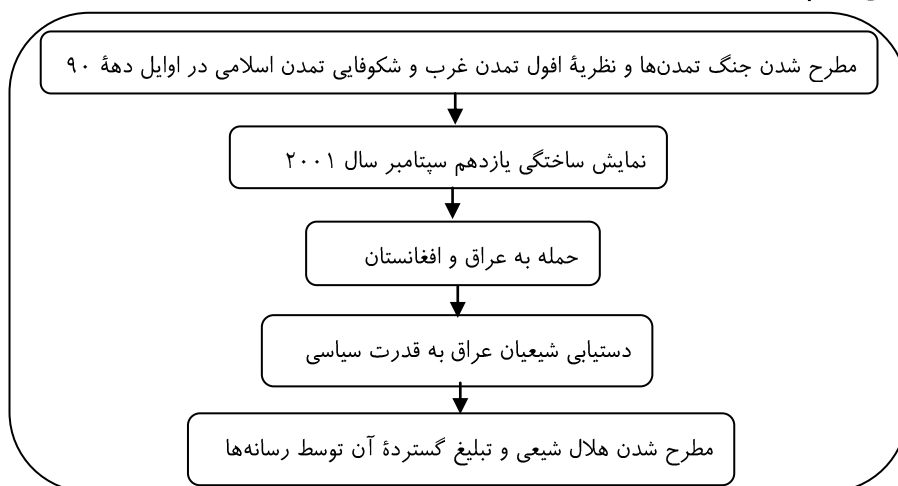
موج سوم شیعه‌هراسی، با پیروزی دولت اصول‌گرا در سال ۱۳۸۴ شروع شد. تقریباً دو سال بعد، در سال ۲۰۰۶م حزب‌الله لبنان در نبرد ۳۳ روزه با رژیم صهیونیستی به پیروزی شگفت‌آوری دست یافت و در سال ۲۰۰۹م شیعیان الحوثی یمن پیروزی‌های چشمگیری را در برابر وهابیون به دست آوردند. در این مدت، پافشاری دولت اصول‌گرای شیعه در ایران بر دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای، موفقیت‌های بسیاری برای ایران اسلامی به ارمغان آورد. این تغییرات که به نفع

شیعیان صورت گرفته بود، باعث نگرانی و هراس جریان صهیونیستی شد؛ در نتیجه انقلاب مخملی را بر ضد ایران به راه انداختند که با تدابیر ولی‌فقیه به شکست انجامید و در مقابل، قدرت ایران تثبیت شد و نفوذ آن در منطقه افزایش یافت. همین امر باعث تشدید شیعه‌هراسی دشمنان اسلام با موجی گسترده‌تر در منطقه و جهان گردید.

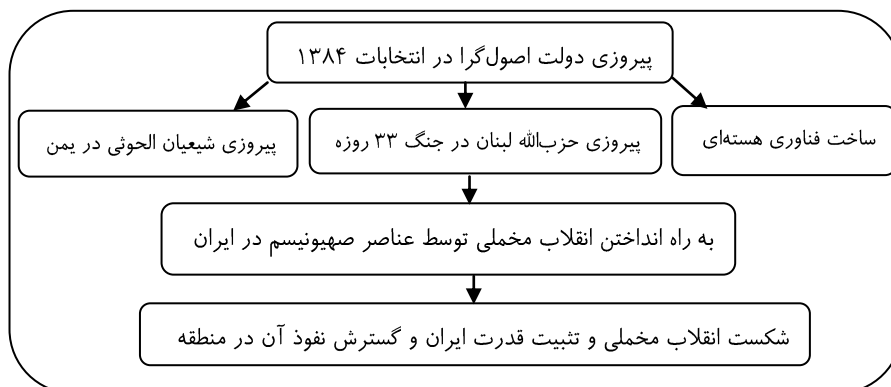
### موج اول شیعه‌هراسی



### موج دوم شیعه‌هراسی



### موج سوم شیعه‌هراسی



### راهکارهای مقابله با شیعه‌هراسی

#### ۱. مقابله با شیعه‌هراسی در سطح دولت‌ها

##### ۱-۱. گسترش دیپلماسی مقتدرانه به منظور مقابله با انزوای سیاسی شیعه

یکی از اقداماتی که باید در زمینه روابط دیپلماتیک صورت گیرد، توجه به تدوین استراتژی درازمدت و تاکتیک‌هایی در سیاست خارجی است. کشوری که استراتژی مشخصی ندارند، تصمیماتش به صورت روزانه است و این موضوع، از یک سو، منابع ملی را مستهلک می‌کند و از سوی دیگر، مشروعیت نظام را پایین می‌آورد. (حقیقت، ۱۳۷۶، ص ۴۹۶) دولت اسلامی نیز باید استراتژی مشخص و درازمدتی را مطابق با قانون اساسی و بر اساس ضرورت‌های موجود، در پیش گیرد تا به وسیله آن بتواند به ایفای نقش فعال و مؤثر در روابط بین‌الملل بپردازد.

یکی از شیوه‌های مؤثر در تأثیرگذاری بر سیاست‌های جهان و تغییر در معادلات بین‌المللی، توجه به چگونگی روابط با کشورهای دیگر است. بسیاری از کشورها سیاست‌های مخالف با غرب را در پیش گرفته‌اند؛ از این رو، با آنکه در همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی با ایران همسو نیستند، با تأکید بر جنبه مشترک میان آنان (مخالفت با سیاست‌های غرب) می‌تواند تأثیرات مطلوبی برای جبهه مخالف غرب داشته باشد. ایران با داشتن ظرفیت‌های لازم نظامی، سیاسی و فرهنگی می‌تواند روابط عمیق‌تر و مطلوب‌تری در عرصه جهانی با دیگر کشورها داشته باشد. بهترین

گزینه برای این نوع ارتباطات، کشورهای آمریکای لاتین هستند که در خط مقابل سیاست‌های آمریکا و اروپا قرار دارند. این کشورها که به دنبال اجرای نظام چندقطبی در جهان هستند و سیاست‌های آمریکا را مخالف منافع خود می‌دانند، با توجه به همسویی سیاسی و استراتژیکی با ایران، مایل به گسترش رابطه با ایران هستند. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران باید از این فرصت استفاده نموده، جای پای مناسبی در حیات خلوت آمریکا باز کند.

افزون بر آمریکای لاتین، کشورهای آفریقا و آسیا نیز می‌توانند به‌عنوان طرف مقابل روابط دیپلماتیک ایران مطرح باشند. در اجرای دکترین تعامل سازنده جمهوری اسلامی در دو حوزه آفریقا و آمریکای لاتین، لازم است ابتدا با برنامه‌ریزی جامع به برقراری و شناخت فرصت‌ها و آنگاه توسعه روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اقدام کرد. بدین وسیله، نه تنها قادر خواهد شد یاران خوبی در حرکت سلطه‌ستیزانه خود پیدا کند، بلکه با توجه به تعداد این دولت‌ها و حضور آنها در مجامع جهانی و بین‌المللی، از حمایت دولت‌های بیشتری در جامعه جهانی برای خنثی کردن فشار قدرت‌های سلطه‌گر برخوردار شده، در عین حال منافع جمهوری اسلامی هم در این راستا تأمین خواهد شد. (مولانا و محمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳)

یکی از روش‌های گسترش دیپلماسی، مشارکت فعال در حل مناقشات منطقه و جهان است. در این زمینه، فرصت‌ها و ظرفیت‌های قابل توجهی در اختیار ایران قرار دارد. ایران در عرصه سیاسی خود در طول سی سال بعد از انقلاب، با انواع موقعیت‌های ویژه برخورد کرده است و تجارب سودمندی را در برخورد با حوادث و رویدادها دارد. بنابراین، با کاربرد این تجارب در عرصه منطقه‌ای و جهانی می‌تواند به عنصر مهمی در عرصه روابط بین‌الملل تبدیل شود.

یکی از تاکتیک‌هایی که در روابط خارجی با کشورهای دیگر می‌تواند اعمال شود، تفکیک بین سیاست‌های اعمالی و سیاست‌های اعلانی است. سیاست‌های اعمالی سیاست‌هایی است که در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به عمل در می‌آید؛ ولی سیاست‌های اعلانی جنبه حیثیتی دارد و می‌تواند موجب ضعف یا قوت قدرت یک

کشور شود. (حقیقت، ۱۳۷۶، ص ۵۱۳) دولت اسلامی نیز با در نظر گرفتن مصلحت ملی و مصلحت سایر مسلمانان، می‌تواند به وظایف برون‌مرزی خود به‌درستی عمل کند و لزومی ندارد که چنین اقداماتی، در سیاست اعلانی گنجانده شود.

مخالفت اروپای متحد با مداخلات منطقه‌ای آمریکا و چالش‌هایی که در برابر سیاست مداخله‌جویانه آن کشور ایجاد شده است، می‌تواند زمینه‌ای برای همکاری در روابط ایران و اروپا در تقابل با سلطه‌گرایی آمریکا به‌شمار آید. (مولانا و محمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹) ایران با استفاده از این زمینه مساعد می‌تواند به نقش‌آفرینی در اروپا نیز پردازد و با گسترش این روابط، به موازنه مثبت سیاسی در برابر آمریکا دست یابد. ایران و دیگر گروه‌های شیعه، افزون بر روابط دیپلماتیک با کشورهای جهان، می‌توانند با شرکت فعالانه در اجلاس‌های بین‌المللی و ایفای نقش مؤثر در این جلسات، موقعیت خود را به جهان بشناسانند. ارائه طرح‌های منسجم و سازنده بر مبنای دیدگاه‌های اسلام برای حل معضلات جهانی، یکی از راهکارهای مؤثر برای شناسایی اسلام حقیقی به جهانیان است. افزون بر این، اعزام دانشجویان متعهد به مبانی اسلام به کشورهای دیگر و پذیرش دانشجویان خارجی در ایران و دیگر جوامع شیعی، می‌تواند به شناسایی بهتر فرهنگ شیعه و گسترش آن در جهان و رفع سوءبرداشت‌های ناشی از تبلیغات دشمنان بینجامد.

#### ۱-۲. به چالش کشیدن سیاست‌های غرب و صهیونیسم

صهیونیست‌ها با توطئه‌های مختلف می‌کوشند میان صفوف مسلمانان شکاف و چنددستگی ایجاد کنند تا بدین وسیله بتوانند مسلمانان را به تسلیم در برابر خود وادار نمایند. یکی از شیوه‌های مقابله با این وضعیت، آگاه‌سازی مسلمانان و تأکید بر وحدت جهان اسلام است؛ از این‌رو، دولت‌های اسلامی باید این موضوع را در رأس برنامه‌های خود قرار دهند.

بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس شناخت مناسبی از جوامع مقابل خویش ندارند. تلاش برای ایجاد زمینه‌هایی جهت ایجاد یک گفت‌وگوی صمیمانه میان این جوامع، از عمده فعالیت‌هایی است که باید دولت‌ها یا سازمان‌های غیردولتی موجود در سطح منطقه انجام دهند. (مؤمنی، ۱۳۸۶، ص ۴۷) شیعیان باید همواره با تأکید بر

جنبه‌های مشترک جهان اسلام، توطئه‌های دشمنان اسلام را برای مسلمانان بازگو کنند و با تأکید بر نقش تمدن‌سازی اسلام، مسلمانان را به موقعیت خود در جهان متوجه کرده، خودباوری و اعتماد به نفس آنان را در برابر غرب زنده کنند. در این زمینه، امام خمینی<sup>ع</sup> مسلمانان جهان را به قدرت و عظمت اسلام و توانایی‌های آن توجه می‌داد و علت مشکلات جوامع اسلامی را اختلافی می‌دانست که دشمنان اسلام بر مسلمانان تحمیل می‌کنند تا با درگیر کردن مسلمانان با یکدیگر، منابع و ذخایر انرژی آنان را به غارت ببرند. ایشان در یکی از سخنانشان در این باره فرمودند:

«مسلمین آنها بودند که مجد آنها دنیا را گرفته بود؛ تمدن آنها فوق تمدن‌ها بود؛ معنویات آنها بالاترین معنویات بود؛ رجال آنها برجسته‌ترین رجال بود؛ توسعه مملکتشان از همه ممالک بیشتر بود؛ سیطره حکومتشان بر دنیا غالب شده بود. دیدند که با این سیطره، با این وحدت دول اسلامی، نمی‌شود تحمیل کرد چیزهایی را که آنها می‌خواهند؛ نمی‌شود ذخایر اینها را، طلای سیاه اینها را، طلای زرد اینها را، نمی‌شود اینها را قبضه کرد. درصدد چاره برآمدند. چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند.» (امام خمینی<sup>ع</sup>، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۷۴).

یکی دیگر از شیوه‌های مقابله با سیاست‌های غرب، به چالش کشیدن شعارهای دروغین آنهاست. یکی از شعارها و حربه‌هایی که غرب از آن برای رسیدن به اهداف خود سود می‌برد، بحث حقوق بشر است. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، غربی‌ها پیوسته ایران را به نقض حقوق بشر متهم کرده‌اند. این اتهامات در حالی صورت می‌گیرد که غربی‌ها خود عاملان اصلی نقض حقوق انسان‌ها هستند.

در واقع، اصالت دفاع از حقوق بشر با مکتبی است که به رعایت آن پایبند شده باشد. از این رو، مقام معظم رهبری جایگاه حقیقی دفاع از حقوق انسان‌ها را دین و دین‌مداری می‌داند، و ضمن آنکه ادعای حقوق بشر ابرقدرت‌ها را دروغ می‌خواند، آن را بهانه‌ای می‌داند برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی که طرفدار واقعی حقوق بشر است. (مولانا و محمدی، ۱۳۸۷، ص ۸۵) به این ترتیب، دولت در روابط دیپلماتیک خود با کشورهای دیگر، پیوسته باید موضوع حقوق بشر اسلامی را مطرح کند و با

زیر سؤال بردن حقوق بشر غربی، مقاصد ضد انسانی آنان را آشکار نماید. ایران باید بکوشد به جای قرار گرفتن در جایگاه متهم، ادعای نقض حقوق بشر را درباره غرب مکرر به کار گیرد و در این زمینه غرب را متهم به نقض حقوق بشر کند و جنایت‌های آنان را افشا نماید.

### ۱-۳. توسعه زیرساخت‌های جامعه به منظور ایجاد جامعه‌ای نمونه از شیعه

یکی از روش‌های تأثیرگذاری بر معادلات جهانی و مطرح شدن به‌عنوان جامعه‌ای الگو و نمونه، توجه به زیرساخت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. در این میان، توجه به زیرساخت‌های توسعه انسانی در اولویت قرار دارد؛ زیرا در صورت اصلاح انسان‌ها در جامعه و استفاده درست از عقل و اندیشه انسانی، جامعه در مسیر پیشرفت و توسعه قرار می‌گیرد. امام علی علیه السلام زمانی که زمام امور جامعه را در دست گرفت، مهم‌ترین برنامه خود را تکامل انسانی قرار داد و برای اصلاح زیربنایی ساختار فرهنگی و انسانی جامعه، دو سیاست در پیش گرفت: نخست مقابله با سیاست‌های قبیله‌ای و ارزش‌هایی که موجب قدرتمند شدن رؤسای قبایل و فرصت‌طلبان می‌شد؛ دوم جای‌گزینی ارزش‌های نوین عقلانی و درستی که از دین اسلام ریشه گرفته بود. در این مرحله، امام علی علیه السلام کوشید از راه‌های مختلف، سطح فرهنگ و آگاهی مردم را بالا ببرد. (علیخانی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۱-۱۵۳)

آموزش و پرورش، از مهم‌ترین عرصه‌های فرهنگی کشور است که از سویی در معرض شدیدترین تهاجمات فرهنگی قرار دارد، و از سوی دیگر به‌عنوان مهم‌ترین زیرساخت فرهنگی جامعه، در شکل‌گیری ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه نیز بسیار مؤثر است. از این رو، توجه به این مرکز مهم فرهنگی، و نظارت بر کارکردهای آن، می‌تواند در شکل‌گیری جامعه الگو و نمونه بسیار تأثیر داشته باشد.

توجه به قومیت‌ها و مناطق مرزی کشور - که بیش از مناطق دیگر در معرض حمله فرهنگی دشمنان هستند - باید بیش از گذشته صورت گیرد. مسئولان این مناطق باید با دقت بیشتری انتخاب شوند. کارهای فرهنگی، مانند برگزاری کلاس‌های



آموزشی و توجیهی، جلسات هم‌اندیشی با نخبگان این مناطق، و برگزاری اردوهای تفریحی آموزشی به منظور جذب جوانان به سمت نظام اسلامی، می‌توانند مؤثر واقع شوند. توجه به زیرساخت‌های توسعه اقتصادی و رفع محرومیت‌ها و انتخاب مسؤولان شایسته با روحیه خدمت‌گذاری به مردم این نواحی، از اقدامات دیگری است که باعث خنثی‌سازی تبلیغات دشمن در این مناطق می‌شود.

اداره جهان در آینده، بر عهده تمدنی قرار می‌گیرد که قابلیت تولید نرم‌افزارهای آن را داشته باشد. شیعیان نیز باید با کوشش جدی در راه جنبش نرم‌افزاری، در زمینه تولید علم بر مبنای اسلام بکوشند تا بتوانند نقش اول را در جهان آینده داشته باشند. بدین منظور، توجه به تحول ساختاری در علوم، به‌ویژه علوم انسانی، امری واضح به نظر می‌رسد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری نیز تأکید فرمودند، دانشگاه‌ها باید در راه جنبش نرم‌افزاری قدم بگذارند و به تولید علم بومی بپردازند. از سوی دیگر، نظام آموزشی دانشگاه‌ها باید از آموزش صرف به پژوهش‌محوری تبدیل شود و نظارت لازم بر انجام این پژوهش‌ها صورت گیرد.

از آنجا که توسعه تجهیزات نظامی عاملی بازدارنده برای جلوگیری از حمله دشمنان اسلام شمرده می‌شود، دولت باید به ساخت فناوری‌های نظامی بیشتر توجه کند و با برگزاری رزمایش‌های مشترک با کشورهای همسایه، از سویی به نمایش قدرت نظامی بپردازد و از سوی دیگر با جلب اعتماد کشورهای همسایه، اهداف نظامی خود را برای این کشورها روشن کند.

توجه به زیرساخت‌های اقتصادی از طریق جذب سرمایه‌های خارجی و واگذاری فعالیت‌های اقتصادی دولت به بخش خصوصی، کاربرد یافته‌های دانشمندان ایرانی و تولید انبوه آن، و توسعه صادرات می‌تواند زمینه شکوفایی اقتصادی کشور را فراهم کند. در زمینه علمی، ساخت فناوری‌های صنعتی و پزشکی، و عدم وابستگی به کشورهای بیگانه، از ضرورت‌های راهبردی است که دولت باید به آن توجه کند. از مقدمات این امر، شناسایی نخبگان جامعه و حمایت از فعالیت‌های علمی آنان است.

## ۲. مقابله با شیعه‌هراسی در سطح رسانه‌ها

۱-۲. تلاش برای ارائه اطلاعات درست درباره اهداف جریان صهیونیستی و معرفی فرهنگ شیعه اطلاع‌رسانی، از عناصر مهم قدرت در جهان معاصر است و کشورهای صهیونیستی و غربی با آگاهی از تأثیر رسانه‌ها، بیشترین استفاده را از وسایل اطلاع‌رسانی برای نفوذ در افکار جهانیان می‌برند. غربی‌ها با بهره‌گیری از خلأ اطلاعاتی جهان اسلام و تشیع، و با استفاده از تاکتیک‌های رسانه‌ای متعدد، می‌کوشند دهکده جهانی خود را شکل دهند و به حذف فرهنگی شیعیان بپردازند. با توجه به چنین شرایطی، جهان اسلام و تشیع باید بخش عمده‌ای از توان خود را صرف ساخت تجهیزات رسانه‌ای نماید، تا بتواند با فعالیت گسترده در شبکه‌های رسانه‌ای، از سویی به خنثی‌سازی تبلیغات سوء غرب و وهابیت بپردازد، و از سوی دیگر به رواج تفکر شیعه در جهان اقدام نماید. فرهنگ شیعه دارای مفاهیم صلح‌جویانه و احترام به حقوق انسان‌هاست و اگر به‌درستی تبلیغ شود، جمعیت فراوانی را متوجه حقیقت نموده، به مسیر مستقیم هدایت می‌کند. دشمنان شیعه با آگاهی از این مفاهیم ناب و تأثیرگذار، کوشیده‌اند که صدای شیعیان به گوش جهانیان نرسد و با توجه به انحصار رسانه‌ای، توانسته‌اند به موفقیت‌هایی در این زمینه برسند. بنابراین، رسالت مهم شیعیان در این موقعیت، توجه به فعالیت‌های فرهنگی و اشاعه آن در سطح رسانه‌هاست.

نتایج تحقیقات پژوهشگران نشان می‌دهد تقریباً همه اخبار بین‌المللی که از رسانه‌های کشورهای جهان سوم انتشار می‌یابد، به وسیله چند کارتل خبری بین‌المللی تهیه و مخابره می‌شود. حتی کشورهای جهان سوم هم‌جوار نیز اخبار یکدیگر را به نقل از این کارتل‌های خبری بازگو می‌کنند. بنا بر این تحقیقات، این وضع محدود به اخبار و اطلاعات نمی‌شود؛ بلکه مشابه آن را در تمام محصولات فرهنگی، اعم از فیلم‌های سینمایی، کتاب، امواج ماهواره‌ای و شبکه‌های رایانه‌ای می‌توان دید. (سمواتی، ۱۳۸۳، ص ۷) جوامع اسلامی برای مقابله با این وضعیت، باید با مجهز شدن به رسانه‌های بومی، بر مبنای آموزه‌های اسلامی و به شیوه‌ای جذاب به ساخت برنامه‌های آموزنده بپردازند. در این زمینه، نقش رسانه ملی بارزتر است و این رسانه باید نهایت تلاش خود را انجام دهد. برای این منظور، باید توجهی ویژه به

رسانه‌های تصویری صورت گیرد و با پخش برنامه‌های آگاهی‌بخش در این رسانه‌ها - که مخاطب بیشتری دارند - از یک‌سو به معرفی درست فرهنگ شیعه پرداخت، و از سوی دیگر واقعیت‌های مربوط به تشکیل جریان صهیونیستی، چگونگی تسلط آنها بر رسانه‌ها و تسخیر افکار جهانیان توسط آنان، همچنین اهداف و مقاصد این جریان برای ایجاد اختلاف در جوامع اسلامی را برای افکار عمومی روشن کرد.

#### ۲-۲. راه‌اندازی پایگاه‌های ماهواره‌ای برای آگاه‌سازی افکار عمومی

فناوری‌های نوین ارتباطات و رشد سریع و کاربردی آنها، به پدید آمدن مفهومی جدید به نام «دیپلماسی رسانه‌ای» انجامیده است، که در دیپلماسی نوین افکار عمومی جایگاهی مهم دارد. (مولانا و محمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۱) غرب و صهیونیسم که بیشترین رسانه‌های جهان را در اختیار دارند، با توسل به دیپلماسی رسانه‌ای، افکار عمومی جهان را هدف قرار داده، آن را مطابق با دیدگاه‌ها و منافع خود شکل می‌دهند. بنابراین، با دستیابی آنان به تجهیزات رسانه‌ای، جریان اطلاعات در سطح جهان به‌صورت یک‌طرفه و به نفع آنهاست.

فضاسازی منفی و ایجاد تصویر کلیشه‌ای از انقلاب اسلامی، همواره اولویت اول رسانه‌های غربی است که تنها با اقدامات فرهنگی و دیپلماسی رسانه‌ای می‌توان با این وضعیت مقابله کرد، برای این منظور، دو راهکار پیشنهاد می‌شود: نخستین راهکار در عرصه داخلی، حفظ و عمق‌بخشی به هویت اسلامی است که جزو اولین برنامه‌هاست. در این زمینه باید همین مهارت‌های مقابله با جنگ رسانه‌ای را برای بالا بردن ظرفیت تحلیل مخاطب داخلی مورد توجه قرار داد؛ دومین راهکار در عرصه خارجی است. باید برای پوشش دادن چهره رثوف و زیبای انقلاب اسلامی به جهانیان، از دیپلماسی فعال رسانه‌ای بهره گرفت. به نظر می‌رسد که با وجود موفقیت العالم و پرس‌تی‌وی، باید راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی مدافع انقلاب نیز برای تأثیرگذاری بر مخاطب خارج از کشور مد نظر قرار گیرد. (مهدوی، ۱۳۸۹، ص ۱۲)

ماهواره‌ها در میان رسانه‌ها می‌توانند بهترین گزینه برای رساندن صدای شیعیان به جهان باشند. ایران نیز در این زمینه به اقدامات اولیه‌ای دست زده است که البته این اقدامات باید با توجه بیشتر و پشتکار قوی‌تر دنبال شود. جهان اسلام، به‌ویژه

شیعیان، باید برای پیروزی در عرصه جنگ رسانه‌ای، همه توان خود را به کار گیرند و با ساخت تجهیزات ماهواره‌ای و قطع وابستگی به تجهیزات بیگانه بتوانند اخبار و اطلاعات درست را از منابع معتبر کسب کنند و در اختیار جهانیان قرار دهند. شرح دیدگاه‌ها و رفع سوء تفاهم‌های ناشی از تبلیغات رسانه‌های غربی و شرح مواضع صلح آمیز شیعیان باید مورد توجه قرار گیرد. ارائه اخبار و اطلاعات درست به افکار عمومی جهان، پوشش خبری قیام‌های شیعیان و انتشار آن در سراسر جهان نیز یکی از مهم‌ترین رسالت‌های رسانه‌ای جامعه شیعیان است.

۲-۳. توسعه شبکه اینترنتی و گسترش فضای مجازی

استفاده از فضای مجازی، مزیت‌های بیشتری در مقایسه با رسانه‌های دیگر دارد: از سویی هزینه بسیار کمتری دارد؛ و از سوی دیگر برای بیشتر مردم قابل دستیابی است و مخاطبان بسیاری را جلب می‌کند. فضای اینترنت، همان‌گونه که به‌مثابه تهدید مطرح است، می‌تواند فرصتی جدید برای فعالیت در عرصه فرهنگی باشد.

امروزه استفاده از فضای اینترنت، برای غرب به مؤثرترین وسیله برای شیعه‌ستیزی و شیعه‌هراسی تبدیل شده است. از مصادیق این امر می‌توان به حک کردن هم‌زمان سرور آل‌البیت، به‌عنوان بزرگ‌ترین سرور جهان تشیع، و سیصد وب‌سایت اینترنتی وابسته به حوزه علمیه قم یا چهره‌های شاخص مکتب تشیع، توسط یک محفل وهابی در شهریور ۱۳۸۷ اشاره کرد. (دلورپور اقدام، ۱۳۸۸، ص ۴) دشمنان اسلام با بهره‌مندی از بیشترین فضای مجازی، به جنگ با تشیع آمده و با انواع ترندها و شیوه‌های روانی، درصدد تخریب فرهنگ شیعه و معرفی فرهنگ غربی به‌عنوان جای‌گزین آن برآمده‌اند.

برای پیروزی در جنگ رسانه‌ای، به تمهیداتی نیاز است که باید با همکاری نخبگان تشیع و زمینه‌سازی مسئولان صورت گیرد. در سطح کلان، توجه به مهندسی فرهنگی، طبق فرموده مقام معظم رهبری باید در رأس اقدامات ساختاری فرهنگی قرار گیرد. در سطح میانی هم بر سایت‌های اینترنتی و اجرای فیلترینگ مؤثر، به منظور مقابله با فضای مخرب سایت‌های ضدشیعی در اینترنت، نظارت صورت گیرد.

بهره‌گیری مناسب از مبلغان حوزه‌های علمیه و کارشناسان و نخبگان شیعه در فضای اینترنت، به منظور آگاهی افکار عمومی، باید در رأس برنامه‌های فرهنگی قرار گیرد. دیگر نخبگان و اندیشمندان شیعه نیز رسالت‌های مهمی در فضای اینترنت دارند و باید اقدامات مؤثری را برای پیروزی در جنگ نرم سایبری انجام دهند. از جمله اقدامات این گروه می‌توان به راه‌اندازی سایت‌ها، وبلاگ‌های گروهی، جلب مشارکت دیگران به منظور استفاده از تجارب و خلاقیت‌های آنان برای ارتقای فرهنگ شیعه، و آگاه‌سازی اقشار عمومی جامعه از ماهیت دشمنان اسلام، اهداف و توطئه‌های آنان و رفع شبهات اشاره کرد.

### ۳. مقابله با شیعه‌هراسی در سطح نخبگان و متفکران

۳-۱. انجام پژوهش در زمینه شناخت ریشه‌ها و اهداف مشترک غرب و صهیونیسم مطالعه فرایند شکل‌گیری غرب جدید و به موازات آن صهیونیسم جهانی - که چندین قرن به طول انجامید - از ضرورت‌های راهبردی برای مهار بسیاری از معضلات و مشکلات ناشی از توطئه‌های غرب و صهیونیسم است. این امر مستلزم جریان‌شناسی و ریشه‌یابی دقیق این جریان‌ها و آگاه‌سازی جامعه است. اگر نتوانیم ورای جاذبه‌های کاذبی که این تمدن ایجاد کرده است، آن روح شیطانی اغواگر، و شیطنت، ضلالت، تاریکی و ظلمت، مردگی حیات انسانی، و تنزل دادن انسان در حد چهارپایان را نشان بدهیم، و به دیگر سخن، اگر به‌خوبی تبیین نکنیم که نتیجه این استکبار علی‌الله، کبر بر بندگان و استضعاف، تحقیر و استعمار آنهاست، و نتوانیم نفرت عمومی را از تمدن مادی غرب بالا ببریم، بی‌تردید در توسعه انقلاب اسلامی با بن‌بست و شکست مواجه خواهیم شد. (میرباقری، ۱۳۸۶، ص ۱۸)

مبانی فلسفی و اجتماعی غرب بر پایه اومانیزم و سکولاریسم شکل گرفت و انسان غربی با بیگانه شدن از خداوند و دین، توانست مبانی و پایه‌های مکتب خود را شکل دهد. به همین دلیل، پایه‌های مکتب غربی بسیار متزلزل است و در معرض فروپاشی قرار دارد؛ ولی مکتب تشیع بر پایه اعتقاد به نظام الهی و خدامحوری شکل گرفته است و روزبه‌روز در مسیر شکوفایی و ساخت نظام جهانی آینده گام

برمی‌دارد. با روشن شدن این حقایق، بسیاری از جهانیان با مکتب تشیع آشنا شده، در مسیر هدایت قرار خواهند گرفت.

اطلاع‌رسانی به جهانیان درباره مبانی دین اسلام و اهداف انقلاب اسلامی و دلیل تضاد آن با غرب، باید جزو برنامه‌های راهبردی اندیشمندان شیعه باشد. افزون بر این، باید تمدن رقیب را نیز - که گوهره‌اش، پرستش نفس و دنیاست - شناخت، و وجوه مختلف آن را معرفی کرد؛ زیرا اگر نتوانیم غرب و ماهیت حقیقی او را - که در همه ابعاد آن، اعم از علم، فناوری، رفاه و مناسبات و ساختارهای مدنیت مدرن، ریشه دوانیده است - نشان بدهیم، حتماً محکوم به شکست خواهیم بود.

البته شناخت غرب به‌تنهایی کافی نیست و باید جای‌گزین مناسبی نیز برای آن معرفی شود. برای این منظور، بر نخبگان جامعه لازم است با انقلابی فکری و فرهنگی، به تحول در علوم انسانی مبادرت نمایند، و از آنجا که مبانی ناب علوم طبیعی و انسانی در دین اسلام وجود دارد و در صورت اجرا می‌تواند به تحول و پیشرفت جوامع انسانی بینجامد، باید با یک بازنگری عمیق در علوم، به‌ویژه علوم انسانی، مبانی این علوم را بر اساس آموزه‌های اسلام تنظیم کنند. در این صورت است که افکار عمومی جهان، هم‌زمان با شناخت مبانی غرب، می‌تواند جای‌گزین مناسبی برای افکار غربی داشته باشد. البته در سال‌های اخیر، نخبگان شیعه در این مسیر گام نهاده و با جنبش نرم‌افزاری اقداماتی را در این زمینه انجام داده‌اند؛ اما با توجه به سرعت تحولات در جوامع کنونی، نیاز به جدیت و سرعت بیشتر در انجام این امور است.

### ۳-۲. آگاه‌سازی نخبگان عربی و غربی درباره حقایق مذهب تشیع و رفع کج‌فهمی‌ها

از مصادیق جنگ نرم دشمن، استفاده از اندیشمندان مذهبی در میان مسلمانان و پیروان ادیان دیگر، به منظور ارائه نظریات ضدشیعی و اشاعه خرافات در میان مردم است. برای برخورد با این معضل دینی و اجتماعی، اندیشمندان و نخبگان شیعه باید بیش از گذشته خود را به آموزه‌های ناب اسلامی مجهز کنند و بتوانند در هنگام ضرورت، به پاسخ‌گویی شبهات مطرح‌شده از سوی دشمنان شیعه پردازند. صاحب‌نظران جوامع شیعه باید با ارائه نظریه‌ها و راهکارهای مناسب، برای حل

مشکلات ناشی از تبلیغات اندیشمندان غربی و وهابی با دولت شیعه همکاری کنند و دولت را در اتخاذ تصمیمات درست و بهنگام یاری رسانند.

اندیشمندان غربی و وهابی در نخستین برخورد، معمولاً از ایجاد شبهه در تشیع استفاده می‌کنند. شبهات ایجادشده، توسط متفکران در رسانه‌ها انتشار می‌یابد و مخاطبان از گروه‌های مختلف با آن برخورد می‌کنند. برخی از مخاطبان شیعه که ممکن است از آگاهی کافی برخوردار نباشند، به تدریج با قرار گرفتن در فضای غبارآلود شبهه مخالفان، دچار شک و تردید شده، اعتقاداتشان متزلزل می‌شود. مخاطبان غیرشیعه هم که آگاهی و اطلاعی از مذهب تشیع ندارند، دروغ‌ها و تحریفاتی را که درباره شیعیان انتشار می‌یابد، باور می‌کنند و ممکن است افکار منفی درباره شیعیان در ذهن آنها شکل بگیرد و به دلیل ترس و هراسی که از شیعیان برای آنها ایجاد می‌شود، به شیعه‌ستیزی بپردازند. این امر، زمانی شدیدتر می‌شود که از جانب شیعیان پاسخی برای این شبهات مطرح نشود.

مهم‌ترین روش برای مقابله با تهاجم فکری بر ضد شیعیان، اطلاع‌رسانی درست است. اطلاع‌رسانی در دو زمینه می‌تواند صورت گیرد: از سویی باید مبانی ناب اسلام و تشیع را به افکار عمومی جهان معرفی کرد، و از سوی دیگر، درباره شیوه شکل‌گیری مبانی عقیدتی مخالفان تشیع و دلایل مخالفت آنها با اسلام ناب و همچنین راهبردها و تاکتیک‌های آنان، اطلاعات مستندی به جهانیان ارائه کرد. یکی از شیوه‌های شناسایی مکتب تشیع، استفاده از مبانی مهدویت و عدالت است. از آنجاکه بشریت در طول تاریخ به دنبال جامعه آرمانی و اجرای عدالت بوده است، با فراگیری آموزه‌های مکتب تشیع درباره مهدویت و آینده جهان و نظام جهانی واقعی، به‌طور فطری به آن جذب شده، تعالیم ناب آن را خواهد پذیرفت.

بدین ترتیب، تبلیغ برای شناساندن مکتب تشیع و معرفی ریشه‌های فرهنگی غرب، یکی از راهبردهای اساسی است که باید مورد توجه قرار گیرد. امام خمینی علیه السلام با تأکید بر اهمیت تبلیغ به منظور خنثی‌سازی تبلیغات ضداسلامی می‌فرماید: «باید ما تبلیغاتمان زیاد بشود که لااقل ما بتوانیم به ملت‌ها حالی کنیم که این تبلیغاتی که

اینها بر ضد اسلام و بر ضد مسلمین و بر ضد جمهوری اسلامی می‌کنند، اینها تمام غلط است. و شما دیدید که وقتی خبرنگارها از اطراف می‌آیند و می‌بینند، آنهایی که انصاف دارند، اعلام می‌کنند». (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۲۵۳)

گروه‌های وهابی از مهمترین مبلغان ضد تشیع به‌شمار می‌آیند. از روش‌های برخورد با آنان، افزون بر پاسخ‌گویی به شبهات آنها، ایجاد شبهه در اعتقادات ایشان است. از آنجاکه مبانی فرقه وهابیت سست و بی‌پایه است، با زیر سؤال بردن اعتقادات آنان و ایجاد شبهه در تفکرات ایشان، می‌توان آنها را با شکست مواجه ساخت. هر یک از حجاج بیت‌الله الحرام می‌توانند در این زمینه یک مبلغ باشند و از فرصت ایام حج به منظور شناساندن درست تشیع به دیگر مسلمانان تلاش کنند. استادان و دانشجویان نیز به دلیل حضور مستقیم در مراکز فرهنگی و ارتباط مستمر با این مراکز، مهم‌ترین نقش را در رویارویی با تهاجمات نرم دشمن بر عهده دارند. از مهم‌ترین اقدامات این قشر فرهنگی جامعه می‌توان به انجام پروژه‌های تحقیقاتی، ارائه مقالات علمی و سودمند، برگزاری همایش‌های تخصصی و نشست‌های علمی اشاره کرد.

۳-۳. ارائه طرح‌های راهبردی به منظور خنثی‌سازی طرح‌های دشمنان و پیشرفت امت شیعه یکی از مهم‌ترین معضلات منطقه خاورمیانه، حضور نیروهای بیگانه و اجرای طرح‌های مختلف برای نفوذ در این منطقه است. اجرای چنین طرح‌ها و برنامه‌هایی توسط غربی‌ها در خاورمیانه می‌تواند به نفوذ بیشتر آنان در منطقه و انزوای شیعیان بینجامد. بنابراین، برنامه‌ریزی برای اجرای طرح‌های مؤثر به منظور مقابله با طرح‌ها و نقشه‌های غرب، ضروری است. برای نمونه، در برابر طرح خاورمیانه بزرگ، طرح خاورمیانه اسلامی مطرح شد و نتیجه آن، آغاز قیام ملت‌های منطقه بود که باعث تغییراتی در نظام حاکم برخی از این کشورها شد. نخبگان و اندیشمندان شیعه می‌توانند در این زمینه به ایفای نقش فعال بپردازند و با هم‌فکری یکدیگر، طرح‌های مناسبی را به منظور مقابله با طرح‌های شیطنی غرب مطرح کنند و با پیشنهاد طرح‌ها به دولت، آن را به اجرا گذارند.



نخبگان و اندیشمندان باید با ارائه طرح‌های جداگانه برای رسانه‌ها و مراکز فرهنگی و سیاسی، آنها را در اتخاذ سیاست‌های کلان یاری کنند. همچنین با مطالعه در طرح‌ها و نقشه‌های دشمنان، به ارائه راهبردهای جدید مطابق با آن پردازند. از آنجاکه برای ارسال پیام شیعه به افکار عمومی جهان، باید از جامعه‌ای سالم و پیشرفته برخوردار باشیم، نخستین اقدام باید در جهت حل آسیب‌ها و معضلات اجتماعی و فرهنگی جامعه شیعه صورت بگیرد. بدین منظور، بر نخبگان و اندیشمندان شیعه لازم است با انجام پژوهش‌های راهبردی، به ارائه برنامه‌هایی به منظور رفع آسیب‌ها در جامعه شیعه پردازند.

#### نتیجه‌گیری

پژوهش پیش روی، با هدف بررسی علل گسترش شیعه‌هراسی و راهکارهای مقابله با آن انجام گرفت. نتیجه حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که زمینه اصلی گسترش پدیده شیعه‌هراسی، وقوع انقلاب اسلامی ایران است. با توجه به بررسی‌های انجام شده، دلایلی که می‌توان برای این ادعا مطرح کرد، این است که غرب و صهیونیسم (عاملان اصلی شیعه‌هراسی) تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی ایران آشنایی عمیقی با شیعیان نداشتند و شیعه را صرفاً یکی از مذاهب اسلامی در برابر مذاهب دیگر می‌دانستند و به منظور تسلط خود بر مناطق اسلامی، به ایجاد تفرقه در میان آنان مبادرت می‌کردند. اگرچه آنها به دلیل قدرت اسلام در دوره قرون وسطی، با اسلام دشمنی دیرینه داشتند، اما با توجه به رکود مسلمانان در قرون جدید و تسلط استعماری غرب بر آنان، و با توجه به سرسپردگی سران عرب در برابر غرب، نگرانی چندانی از جانب مسلمانان نداشتند؛ اما وقوع انقلاب اسلامی ایران به‌شکلی غیرمنتظره، و ایجاد تحولات عمیق ناشی از آن در سطح جهان، موجب نگرانی جریان صهیونیستی غرب و توجه دوباره آنان به دشمنی دیرینه با اسلام شد.

غربی‌ها با مشاهده تحولات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی و توانمندی‌های ایران در برخورد با انواع توطئه‌ها و مشکلات، و پیروزی‌های رزمندگان اسلام در صحنه نبرد با دشمنان با وجود کمبود امکانات و کارشکنی‌های مختلف داخلی و خارجی، به مطالعه بیشتر درباره انقلاب اسلامی ایران پرداختند؛ و از آنجا که این انقلاب با استفاده از ایدئولوژی تشیع به پیروزی رسیده بود، به مطالعه در فرهنگ و ایدئولوژی شیعیان پرداختند و متوجه قابلیت‌های منحصر به فرد مذهب تشیع شدند.

شیعیان دارای امتیازات و ویژگی‌هایی، مانند فرهنگ سیاسی خاصی مشتمل بر مفاهیم عاشورا، ولایت فقیه، مهدویت و نظام واحد جهانی و اندیشه خدامحوری هستند. این امر در کنار امتیازات ژئوپلیتیک و استراتژیک شیعیان، موقعیت منحصر به فردی را برای آنان فراهم می‌کند. اندیشمندان غربی با مطالعه درباره شیعه، به چنین قابلیت‌هایی پی بردند و در نتیجه نظریه جنگ تمدن‌ها را مطرح نمودند؛ جنگی که در آن تمدن غرب فرو می‌پاشد و اسلام مهم‌ترین رقیب، و پیروز جنگ معرفی می‌شود. این عوامل باعث شد تا غربی‌ها در کنار انواع اقدامات سخت و نرم بر ضد شیعیان، به رواج پدیده شیعه‌هراسی در جهان، به ویژه در میان اعراب بپردازند و سران عرب، که از سویی دارای اندیشه‌های نژادپرستانه‌اند و عقاید سلفی در میان آنان نفوذ دارد و از سوی دیگر نگران صدور انقلاب و فروپاشیدن حکومت‌های خود هستند، با غربی‌ها همراهی نموده، آنان را در گسترش شیعه‌هراسی یاری می‌کنند.

در پایان مقاله، راهکارهایی برای مقابله با شیعه‌هراسی در سه بخش دولت‌ها، رسانه‌ها و نخبگان ارائه شد. در بخش دولت‌ها، توجه به دیپلماسی فعال در عرصه بین‌المللی، افشای سیاست‌های ضدانسانی غرب و صهیونیسم، و تلاش برای توسعه زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی به منظور ساخت جامعه‌ای الگو و نمونه، باید مورد توجه قرار گیرد. در بخش رسانه‌ها نیز باید به توسعه و افزایش

تجهیزات رسانه‌ای، ساخت و راه‌اندازی ماهواره‌ها، پخش برنامه‌های مفید برای آگاه‌سازی مردم در رسانه ملی، و توسعه شبکه اینترنت پرداخته شود. در بخش نخبگان و اندیشمندان، انتظارات بیشتری وجود دارد. آنها باید از سوی به‌شناسایی تمدن غرب و چگونگی شکل‌گیری آن و در مقابل، شناخت اعتقادات و تمدن شیعیان پردازند؛ و از سوی دیگر پاسخ‌های مناسبی برای شبهات ایجادشده توسط دشمنان اسلام بیابند و طرح‌ها و برنامه‌های مناسبی را برای مقابله با طرح‌ها و توطئه‌های دشمنان در نظر بگیرند؛ همچنین با ایجاد تحول در علوم انسانی، به ارائه مبانی بومی و اسلامی برای این علوم پردازند تا بتوانند در سطح جهان توانایی‌های خود را مستقل از غربی‌ها به نمایش گذاشته، حقیقت مکتب تشیع را به جهانیان معرفی نمایند.

## منابع

۱. «استراتژی شیعه در مواجهه با تفرقه مذهبی»، نشست علمی، تهران، ۱۳۸۶.
۲. ابراهیم، فؤاد، شیعیان در جهان عرب مدرن، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷.
۳. ادیب، مصطفی، تفکر شیعی و پدیده جهانی سازی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۸.
۴. اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر، همایش بین‌المللی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۸.
۵. اسماعیلی، حمیدرضا، القاعده از پندار تا واقعیت، تهران، اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۶.
۶. تقی‌زاده داور، محمود، مجموعه مقالات اجتماعی، قم، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۸.
۷. توال، فرانسوا، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه دکتر علیرضا قاسم‌آقا، تهران، آمن، ۱۳۷۹.
۸. جامعه و اسلام‌هراسی، همایش بین‌المللی، برلن، مرکز میان فرهنگی دیالوگ، ۲۲ آبان ۱۳۸۷.
۹. جدید بناب، علی، عملکرد صهیونیسم در برابر جهان اسلام، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵.
۱۰. جمالی، جمال، «هلال شیعی و هژمونی آمریکا»، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۸۶.
۱۱. حقیقت، سیدصادق، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران، مرکز تحقیقات ریاست جمهوری، ۱۳۷۶.
۱۲. خالدی، رشید، بذرافشانی بحران: جنگ سرد و تسلط آمریکا در خاورمیانه، ایالات متحده آمریکا، بیکون پرس، ۱۳۸۷.
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی علیه السلام، تهران، ۱۴ خرداد ۱۳۸۳.
۱۴. دلاورپور اقدم، مصطفی، «شیعه‌هراسی و جایگاه آن در دیپلماسی امنیتی ایالات متحده»، پگاه حوزه، شماره ۲۶۱، شهریور ۱۳۸۸.
۱۵. دوست محمدی، احمد و محمد رجبی، «درآمدی بر زمینه‌های پیدایش و مبانی عقیدتی مسیحیت صهیونیستی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸.
۱۶. دهشیری، محمدرضا، بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل، تهران، علمی فرهنگی.
۱۷. سمواتی، زهرا، سلطه رسانه‌ای صهیونیسم در آمریکا، تهران، عروج، ۱۳۸۳.

۱۸. سیدنزاد، سیدباقر، «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، **مطالعات راهبردی**، شماره ۴۷، سال سیزدهم، بهار ۱۳۸۹.
۱۹. شفیع سرستانی، اسماعیل، **مثلث مقدس (راز دشمنی غرب با اسلام و مسلمانان)**، چاپ سوم، تهران، هلال، ۱۳۸۶.
۲۰. صاحب‌خلق، نصیر، **پروتستانیزم، پیوریتان‌ها و مسیحیت صهیونیستی**، تهران، هلال، ۱۳۸۷.
۲۱. صفاتاج، مجید، **صهیونیسم و رسانه**، تهران، سفیر اردهال، ۱۳۸۷.
۲۲. عبداللهی، فردین، «امام خمینی علیه السلام حقیقت همیشه زنده»، ماهنامه **هدایت**، شماره ۹۲، سال نهم، خرداد ۱۳۸۸.
۲۳. علیخانی، علی اکبر، **توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی علیه السلام**، تهران، بین‌الملل، ۱۳۷۹.
۲۴. فاضلی‌نیا، نفیسه، **ژئوپلیتیک شیعه**، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۸.
۲۵. فولر، گراهام، **قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران**، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز، ۱۳۷۳.
۲۶. کاظمی دینان، مرتضی، **علل خیزش شیعیان حاشیه جنوبی خلیج فارس**، قم، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۸.
۲۷. کلاته‌حسن، **گفتمان جمهوری اسلامی در اندیشه امام خمینی علیه السلام**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
۲۸. کرامر، مارتین، **تشیع، مقاومت و انقلاب (مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل آویو)**، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۸.
۲۹. لوییس، برنارد، **برخورد فرهنگ‌ها**، ترجمه بهمن دخت اویسی، تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۴.
۳۰. متقی‌زاده، زینب، **جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس**، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵.
۳۱. محمدی، یدالله، «بررسی ابعاد همگرایی در منطقه خلیج فارس»، **مجله مصباح**، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۱.
۳۲. مرادی، حجت‌الله، **قدرت جنگ نرم از نظریه تا عمل**، تهران، ساقی، ۱۳۸۸.
۳۳. مظفری، آیت، **شیعه و جهان فرد**، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۶.
۳۴. مقدم‌فر، گلناز، «ایران، کانون هارتلند»، **روزنامه رسالت**، شماره ۷۰۱۱، سال ۲۵، خرداد ۱۳۸۹.

۳۵. موسوی خمینی، روح‌الله، **صحیفه امام**، ج ۹، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۷.
۳۶. مولانا، سیدحمید و منوچهر محمدی، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد**. تهران، دادگستر، ۱۳۸۷.
۳۷. مهدوی، فرهاد، «بازنمایی انقلاب اسلامی در رسانه‌های غربی»، هفته‌نامه **صبح صادق**، شماره ۴۸۷، بهمن ۱۳۸۹.
۳۸. مؤمنی، میرقاسم، **کتاب خاورمیانه، ویژه خلیج فارس**. تهران، ابرار معاصر ایران، ۱۳۸۶.
۳۹. میرباقری، سیدمحمد مهدی، «ضرورت و بایسته‌های غرب‌شناسی»، **ماهنامه موعود**، شماره ۸۱، سال دوازدهم، آبان ۱۳۸۶.
۴۰. نای، جوزف، **قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل**، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
۴۱. هرمزی، شانی، **استراتژی آمریکا در قبال جهان اسلام**، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت، ۱۳۸۸.
۴۲. یحیی، هارون، **فراماسونری جهانی**، ترجمه سیدداوود میرترابی، تهران، المعی، ۱۳۸۴.